

## اول مه و مراسم‌های خانه کارگر

ناصر اصغری

هشتم اردیبهشت ماه هشتاد و شش

نوشته‌ای با امضای "روزبه فقیهی، اختصاصی وبلاگ کارگر" تحت عنوان "چند نکته پیرامون اول ماه می امسال" در چند سایت اینترنتی درج گردیده که گرچه اولین بار است با اسم "روزبه فقیهی" برخورد می‌کنم، اما پرداختن به موضوعاتی که ایشان مطرح و تبلیغ کرده، لازم و پرداختن به يك خط سیاسی مشخص است.

این نوشته با اشاره به اول ماه مه، به دو نکته بسیار مهم، "فراخوان به شرکت کارگران در مراسم دولتی و رادیکالیزه کردن آن" و "پرهیز از رادیکالیسم در مبارزات معلمان" می‌پردازد. کسانی که صحنه سیاسی جامعه ایران در چند سال اخیر را دنبال کرده باشند، میدانند که این خط "راه توده" است که گاه‌ها خجولانه و گاه‌ها عریان ابراز وجود می‌کند. من روزبه فقیهی را نمی‌شناسم و اگر چه این نوشته خط "راه توده" است، و امروز "راه توده" فرق چندانی با احمدی‌نژاد ندارد، اما ابا قصدم این نیست که بگویم ایشان توده‌ای هستند. این نوشته جدا از اینکه نویسنده‌اش چه کسی است، دارد این سیاست را تبلیغ می‌کند.

برای رعایت انصاف بگذارید اینجا دو نقل قول مربوط به این اظهارنظرات را بیاوریم. در پاراگراف دوم در نوشته‌اش در باره روز کارگر در ۱۱ اردیبهشت می‌گوید: "اما مراسمی که نباید از آن غفلت کرد، مراسمی است که هر ساله توسط خانه‌ی کارگر به منظور بهره‌برداری حاکمیت برگزار می‌شود. اما در دو سال گذشته کنترل آن به طور کامل در اختیار توده‌ی کارگران حاضر در مراسم درآمده است و کارگران با بلند کردن پلاکاردهای مستقل و برآوردن فریاد برابری طلبی مطالبات بر حق خود را مطرح کرده‌اند. این مراسم در سال گذشته به طوری بود که برخی از فعالین کارگری بر جلوتر بودن توده‌ی کارگران از پیشروان کارگری تاکید کردند. به نظر نگارنده این مراسم از سوی پیشروان کارگری نباید کم اهمیت انگاشته شود و باید تدابیری در جهت رادیکالیزه کردن مطالبات و جهت‌دهی به مراسم اندیشیده شود." و دو پاراگراف پائین‌تر، در باره ۱۲ اردیبهشت، که معلمان اعلام کرده اند برای پیگیری مطالباتشان در این روز اعتراض خواهند کرد، می‌افزاید: "... این ضرورت وجود دارد که فعالین کارگری و دانشجویان در تجمعات آتی معلمان حضور پیدا کنند و زمینه را برای پیوند خوردن مبارزات معلمان با کارگران ایجاد کنند. البته به نظر نگارنده در صورت حضور در اجتماعات معلمان به هیچ وجه نباید در صدد رادیکال کردن جو بر آمد زیرا ممکن است باعث ایجاد حالتی تدافعی در بین معلمان شود."

### مراسم خانه کارگر

روزبه فقیهی درست می‌گوید که در چند سال گذشته کنترل مراسم دولتی از دست برگزار کنندگان آن خارج شده و شعارهای تند بر علیه سران رژیم داده شد. اما در عین حال شاهد برگزاری مراسم‌های مستقل باشکوهی نیز بوده‌ایم. به هر اندازه که مراسم دولتی از طرف کارگران تحریم شدند، مراسم مستقل میلیتانت‌تر شدند. این ابا بدین معنا نیست

که همه کسانی که در مراسم دولتی شرکت می‌کنند، از عوامل خانه کارگر و شوراهای اسلامی هستند. انتظار می‌رود که کارگران در این مراسم شرکت نکنند. سؤال این است که اگر کارگری شرکت کرد چه؟ جواب ما بعنوان مخالفین جمهوری اسلامی و اپوزیسیونی که می‌رود اول مه با شکوهرتر از سالهای گذشته برگزار کند، این است که کارگران شرکت نکنند. برای مقابله با جمهوری اسلامی نمی‌شود مراسم‌هایش را "رادیکالیزه" کرد. هر جا که هستند باید مراسم روز کارگیشان را همانند هر مراسم دیگرشان بهم زد. باید بهشان گفت این مراسم دولتی است؛ مرگ بر جمهوری اسلامی! محبوب فرقی با رفسنجانی و احمدی نژاد ندارد. عوامل يك رژيم جنایتکارند. اگر مجبورمان نکرده باشند و زورمان برسد، عمداً به آنجا می‌رویم و مراسم‌شان را بر سرشان خراب می‌کنیم. اگر مجبورمان کردند و نان شب کودکانمان را گرو گرفتند، قابل درك است. کارگری شاید چاره‌ای نداشته باشد جز شرکت در این مناسکها. اینجا دیگر مسئله فرق میکند. ایشان مجبور به اینکار شده است. کسی به ایشان خرده نمی‌گیرد. این رژيم جنایتکاری است که برای شرکت انسانهای زیادی در مراسم‌هایش، نان شب کودکانشان را گرو می‌گیرد. قابل درك است. دولت دستشان است؛ زندان و اسلحه دارند. دستمزدهایمان را گروگان گرفته‌اند.

فراخوان رو به بیرون برای شرکت در این مراسم تسویه حساب جناحهای رژيم با همدیگر، همسوئی با يك جناح رژيم است که دستش از به خاک و خون کشیدن اعتراضات کارگری خونین است. فراخوان برای شرکت در این مراسم و بعد هم چاشنی "رادیکالیزه" کردن آنها هم پزی است تا گفته شود که فقط برای رونق بخشیدن به بساط خانه کارگری‌ها فراخوان داده نشده است؛ بلکه فراخوان دهنده می‌خواهد بگوید که قصدش رادیکال کردن و سمت و سو دادن به آن است. این اما در دو پاراگراف بعدی پوچی خود را نشان می‌دهد. از رادیکال شدن مبارزات معلمان می‌ترسد و از کارگران و دانشجویان رادیکالی که در همه اعتراضات شرکت می‌کنند، می‌خواهد که شعار رادیکال ندهند.

فاکتور دیگری که از کارگران پنهان می‌شود، وضعیت داغان و بحرانی رژيم است. هیچ کسی، حتی فراخوان دهنده اپوزیسیون پرورژیمی هم ادعا نمی‌کند که مراسم خانه کارگری‌ها، غیردولتی است. در این مراسم شعارهای "انرژی هسته‌ای حق مسلم ما (جمهوری اسلامی) است" سر داده می‌شود. برای محبوب و جلودارزاده و صادقی بساط رأی جمع آوری پهن میشود. رفسنجانی در مقابل جناح‌های دیگر رژيم علم می‌شود. و و. استفاده رژيم از مراسم پررونق برای سرپوش گذاشتن به بحرانهای گریبانگیرش يك نعمت آسمانی است. این آن چیزی است که به مخاطب گفته نمی‌شود. بحران آفرینی این دولت، دیگر حتی صدای خودی‌ترین خودی‌ها را هم در آورده است. دیگر حتی خامنه‌ای و رفسنجانی هم از سیاستهای دولت احمدی‌نژاد می‌نالند. اگر خانه کارگری‌ها در میان صدها شعار پرورژیمی، دو شعار هم بر علیه "خصوصی سازی" - که حداکثر ایرادشان به رژيم است - ندهند، دیگر معلوم نیست چرا کسی باید ادعای تشکل کارگری بودنشان را بخرد!؟

## نقش مخرب گرایشات رفرمیست

اینجا لازم است که تلگرافی هم شده به نقش مخرب گرایشات رفرمیست، که در یکی دو سال گذشته در مراسم دولتی شرکت کرده‌اند، اشاره‌ای بکنم. سندیکالیست‌ها تعدادی از کارگران را به مراسم دولتی بردند و ابداً قصد خارج کردن مراسم از دست خانه کارگری‌ها را نداشتند. اما کارگران معترضی که می‌خواهند سر به تن این رژيم نباشد،

قانونگرایی و رجوع به اصل ۲۶ قانون اساسی و غیره سرشان نمی‌شود. این کارگران بودند که مناسکهای رژیم را بر سرشان خراب کردند، نه فراخوان دهندگان به کارگران برای شرکت در این مراسم. گرایش آنارکوسندیکالیست هم، بخصوص در کردستان، درست زمانی که کارگران مشغول سازمان دادن راهپیمائی‌های خیابانی عظیم و توده‌ای بودند و مراسم مستقل خود را برگزار می‌کردند، برای سخنرانی در مراسم دولتی سخنران به سالن‌های در بسته می‌فرستاد. این گرایش حاضر نبود که با کارگران رادیکال و گرایش سوسیالیستی اتحاد عمل کند اما عملاً کارگران را به پیوستن به صف خانه کارگر تشویق کرد. اینجا بر عکس تهران، بر علیه از کنترل خارج کردن مراسم توسط کارگران، مقاومت هم کردند.

### اعتراض معلمان و پرهیز از رادیکالیزه شدن آن

بالاخر اشاره کردم که این سیاست عمداً به بحران‌های رژیم نمی‌پردازد و به آن سرپوش می‌گذارد. بالاخره معلوم نیست کی باید اعتراض رادیکال کرد؟! از کارگران و دانشجویان می‌خواهد که اگر برای رادیکالیزه کردن اعتراض معلمان به صفوفشان می‌پیوندند، نپیوندند!

امروز معلمان با مشاهده بحران‌های رژیم در برخورد به مسئله هسته‌ای، در مقابله با بدحجابی، اعتراضات روزافزون و هر روزه کارگران، اعتراضات دانشجویی و غیره، چنان یورش به رژیم آورده‌اند و چنان به بیماری آن بی‌اعتنائی می‌کنند و خواهان حل مشکلات خود و سرنگونی رژیم هستند که حتی باعث هشدار رفسنجانی هم در نماز جمعه شد. درست در چنین شرایطی مبصری پیدا می‌شود که سوت "پرهیز از رادیکالیزم" را می‌کشد. این از زیر ضرب در آوردن عمدی رژیم جنایتکاری است که تنها با سرکوب و قتل عام سر پا مانده است.

اعتراضی را که معلمان شروع کرده‌اند، نمی‌تواند با این نوع هشدارها عقب بنشیند. این رژیم نمی‌تواند به هیچ‌یک از مطالبه معلمان جواب مثبت بدهد. معلمان اگر حتی يك قدم هم از رادیکالیزمشان عقب بنشینند، رژیم حمله خود را شروع خواهد کرد. اما این رادیکالیزم نیروی بیشتری را برای حمایت از اعتراضات کارگران بسیج خواهد کرد. چرا که ۹۰ درصد این جامعه در کمین این رژیم نشسته است.\*

ناصر اصغری